

فرهنگ اصطلاحات
و ضرب‌المثل‌های جانوری
در زبان فارسی



کامیاب خلیلی



قصیده سرا

فرهنگ
اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های جانوری
در زبان فارسی

مؤلف
کامیاب خلیلی



تصیغه سرا



قصیده‌سرا

تلفن: ۶۶۵۱۷۷۲۳

فرهنگ اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های

جانوری در زبان فارسی

مؤلف: کامیاب خلیلی

حروفچینی و صفحه‌آرایی: زهرا عزیزی

تصویرگر: مهری ابراهیمی ۰۹۱۳۲۱۳۰۲۸۰

چاپ اول: ۱۳۹۵

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۲۵۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ است.

پست الکترونیک: ghasidehsare@gmail.com



انتشارات آشیان

مرکز پخش: ۶۶۹۶۵۳۷۷

سرشناسه	:	خلیلی، کامیاب، ۱۳۱۳
عنوان و نام پدیدآور	:	فرهنگ اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های جانوری در زبان فارسی / کامیاب خلیلی
مشخصات نشر	:	تهران: قصیده‌سرا، ۱۳۸۴
مشخصات ظاهری	:	ص ۱۹۲
شابک	:	۹۷۸-۹۶۴-۸۶۱۸-۵۶-۳
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فهرست‌نویسی قبلی
یادداشت	:	فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا
موضوع	:	حیوان‌ها در ادبیات
موضوع	:	ضرب‌المثل‌های فارسی
رده‌بندی کنگره	:	۸ خ ۹ ح / PIR ۴۰۰۹
رده بندی دیویی	:	۸/۸۳۶۲
شماره کتابشناسی ملی	:	۴۵۱۸۳-۸۴ م

فهرست مطالب

۱۱	پیشگفتار
۱۷	اسامی جانوران
۲۰	اجزاء، اعضاء، فضولات
۲۱	اسامی و صفات ترکیبی و عبارات ناقص
۲۱	مشتقات و ترکیبات از اسامی جانوران و اجزاء و اصوات آنها
۳۵	تشبیهات
۳۹	تشبیهات ترکیبی
۳۹	آهو
۳۹	اسب
۳۹	باز
۳۹	بره
۴۰	بز
۴۰	پرستو
۴۰	پشه
۴۰	جوجه
۴۰	حواصل
۴۰	خر
۴۱	خرچنگ
۴۱	خرس
۴۲	خروس

۴۲	روباه
۴۲	زاغ
۴۲	زنبور
۴۲	سگ
۴۴	سوسک
۴۴	شپش
۴۴	شتر
۴۵	شیر
۴۵	طاوس
۴۵	طوطی
۴۵	عقاب
۴۶	عقرب
۴۶	عنکبوت
۴۶	غاز
۴۶	غراب
۴۶	فیل
۴۶	قاطر
۴۷	کیوتر
۴۷	کبک
۴۷	کرگدن
۴۷	کژدم
۴۷	کرم
۴۸	کلاغ

۴۸	کنه
۴۸	گاو
۵۰	گراز
۵۰	گربه
۵۰	گرگ
۵۰	گورخر
۵۰	گوزن
۵۲	گوساله
۵۲	گوسفند
۵۲	گنجشک
۵۲	مار
۵۳	ماهی
۵۳	مرغ
۵۳	مور، مورچه
۵۴	موش
۵۵	تشبیهات: اجزاء و فضولات
۵۷	ترکیبات فعلی (بامصدر)
۵۷	آهو
۵۷	اسب
۵۸	استر
۵۸	افسار
۵۹	انگل
۵۹	بره

۵۹	بز
۵۹	بلبل
۶۰	پالان
۶۰	پر، پرنده، بال
۶۱	پشگل
۶۱	پشه
۶۱	پلنگ
۶۱	پوستین
۶۲	پهن
۶۲	پیه
۶۲	تخم‌مرغ
۶۲	تور
۶۲	جفتک
۶۳	جوجه
۶۳	جیک
۶۳	خر
۶۸	خرس
۶۸	خرگوش
۶۸	خروس
۶۸	دم - دنبه
۷۰	روباه
۷۰	زالو
۷۰	زنبور

۷۰	زهر
۷۲	سگ
۷۴	شاخ
۷۵	شپش، کک
۷۵	شتر
۷۶	شغال
۷۶	شیر
۷۷	طوطی
۷۷	طویله
۷۸	عرعر
۷۸	عقرب
۷۸	غاز، قو، اردک
۷۸	فیل
۷۸	کبک
۷۹	کبوتر
۷۹	کرم
۸۰	کیش
۸۰	گاو
۸۱	گره
۸۲	گرگ
۸۳	گنجشک
۸۳	گوساله
۸۳	گوسفند، میش

- ۸۴ مار، افعی
- ۸۵ ماهی
- ۸۵ مرغ
- ۸۵ مگس، خرمگس، ملخ
- ۸۵ مور، مورچه
- ۸۶ موش
- ۸۷ میمون
- ۸۸ نعل
- ۸۸ نیش
- ۸۸ وزوز
- ۸۸ وغ
- ۸۸ یابو
- ۸۸ یال و کوپال
- ۸۹ کنایه‌ها و ضرب‌المثل‌ها
- ۸۹ آهو
- ۹۰ آخور، گله، جانور، طویله - حیوان، توبره
- ۹۲ اسب
- ۹۵ بز، بزغاله
- ۹۷ بط
- ۹۷ بلبل
- ۹۸ پشه، مگس، زنبور، خرمگس، سوسک
- ۱۰۰ تخم، تخم‌مرغ
- ۱۰۱ جوجه، کزّه

۱۰۲	خر
۱۲۲	خرس
۱۲۳	خروس
۱۲۵	دَم، شاخ، دنبه، پر
۱۲۶	روباه، شغال
۱۲۸	سگ
۱۳۸	شپش، کک
۱۳۹	شتر
۱۴۲	شیر، ببر، پلنگ
۱۴۵	طاووس
۱۴۶	طوطی
۱۴۶	عقاب، عنقا
۱۴۷	عنکبوت
۱۴۷	غاز، اردک، مرغابی
۱۴۸	فیل
۱۴۹	قاطر
۱۴۹	قورباغه، وزغ
۱۵۰	کبوتر، کبک، پرستو، ابابیل
۱۵۱	کرم
۱۵۲	کژدم، عقرب
۱۵۲	کفتار
۱۵۲	کلاغ، زاغ، عقاب، باز، کرکس، غراب
۱۵۴	کنه

- گاوه، گوساله ۱۵۴
- گربه ۱۵۹
- گرگ ۱۶۲
- گنجشک ۱۶۷
- گوسفند، میش، قوچ ۱۶۹
- لاک، پشم، پوست، سم، زین، بار، نیش، پالان، پشکل، تپاله، پهن، پوستین،
پیه، شاخ، دم ۱۷۰
- مار، افعی ۱۷۳
- ماهی، نهنگ، خرچنگ، صدف ۱۷۶
- مرغ، شترمرغ ۱۷۸
- ملخ ۱۸۲
- مور، مورچه، موریانه ۱۸۲
- موش ۱۸۴
- موش کور ۱۸۵
- میوه، عرعر، پارس، جیک جیک ۱۸۵
- میمون، انتر (عنتر)، بوزینه ۱۸۶
- نعل ۱۸۶
- یابو ۱۸۷
- منابع مورد استفاده ۱۸۸

پیشگفتار

بر آنچه می‌گذرد دل منه که دجله بسی پس از خلیفه بخواهد گذشت در بغداد
گرت ز دست برآید چو نخل باش کریم ورت ز دست نیاید چو سرو باش آزاد^۱

سعدی

انسانها، در طی تاریخ، رفتار، صفات، عادات، نتیجه اعمال و حتی شکل ظاهر خود را به جانوران، نسبت داده‌اند. اما با گذشت زمان یا به دلیل تکرار، آن نسبت‌ها به صورت باورهای مردم نمودار می‌شود و از آنها؛ ضرب‌المثل‌ها، کنایه‌ها، تشبیه‌ها، مقایسه‌ها، پندها، مزاح‌ها، ناسزاها ساخته می‌شوند. مثالی بیاوریم؛

به تصور مردم روباه حیله‌گر است و روبه‌پی، حیله‌گری کردن. درست است که در اصول اخلاق انسانی، حیله‌گری یا فریبکاری، برخلاف اخلاق نیک و از خصال نکوهیده است. اما روباه را با حیله‌گری چه مناسبت است^۲ چون رفتار جانوران طبیعی و غریزی است (انسان تنها جانوری است که عقل دارد). آنچه ما (انسانها) حیله‌گری روباه فرض می‌کنیم؛ فقط شیوه‌های شکار این جانور برای ادامه حیات و یا روش‌های فرار برای اجتناب از خطر است.

مثال دیگر: گرگ جانور وحشی درنده‌تر از سگ و از درندگان است. گرگ جانوری است گوشت‌خوار، دارای سری بزرگ و آرواره‌های بسیار قوی، دندان‌های بزرگ و تیز و برنده. گاه چندین روز گرسنگی را تحمل می‌کند چون به گونه‌ای غریزی علاقه خانوادگی میان گرگ‌ها بسیار قوی است. تمام عمر خانواده گرگ‌ها با هم به سر می‌برند و برای

۱- مثالی از مقایسه صفات انسانی با نباتات است. وگرنه نخل کریم نیست، فقط میوه می‌دهد. سرو

هم آزاد نیست پای بند خاکبست که دل از آن کندن نمی‌تواند.

۲- ... که موجب چندین مخافتست است. (سعدی)

توله‌هایشان که تعدادشان نیز زیاد است پس از شیرخوارگی غذا یعنی گوشت تازه تهیه می‌کنند و چون مانند انسان جانوری وسیله‌ساز نیست تا کارد و خنجری برای سر بریدن و ذبح کردن تهیه کند یا آماده سازد، پس از دندان‌هایش با فشار و قدرت آرواره برای دریدن صید که غالباً گوسفند است استفاده می‌کند. اما "گرگ گرگ را نمی‌خورد" حتی اگر گرسنه باشد و یا برای انتقام جویی و ایجاد ترس و وحشت، گرگ را نمی‌کشد. کاربرد صفتی گرگ هم معروف است وقتی به کسی می‌گویند مثل گرگ است یعنی بسیار شیطان و زیرک و ناقلاست. "... فلان کس گرگی از آب درآمده که دست صد چون من و تو را از پشت می‌بندد^۱ با این حال انسان‌ها وقتی دست خویش را باز می‌کنند که: "با گرگ دنبه می‌خورند و با چوپان گریه می‌کنند" یعنی شریک دزد و رفیق قافله‌اند!

شنیدم گوسفندی را بزرگی	رهانید از دهان و چنگ گرگی
شبانگه کارد بر حلقش بمالید	نهاد ^۲ گوسفند از وی بنالید
که از چنگال گرگم در ربودی	چو دیدم عاقبت گرگم تو بودی

امثال و حکم^۳ جانوری را می‌توان عموماً به سه گروه بزرگ تقسیم نمود:
گروه نخست بازتاب رفتارها و صفات طبیعی و غریزی جانوران در امثال و

۱- رک ص ۱۲۲۲ کتاب فرهنگ عامیانه ۲- روان گوسفند...

۳- به کار بردن اصطلاح "امثال و حکم" دربرگیرنده همه مثل‌ها و اصطلاحات و... نیست زیرا اصطلاحات متداول طیف گسترده‌ای را از مقایسه‌ها، تشبیه‌ها، صفات، پندها، ضرب‌المثل‌ها و غیره را تشکیل می‌دهد اما چون نمی‌توان نامی دیگر را جایگزین آن نمود به علاوه اصطلاح فوق متداول شده است، در این صورت پذیرفتن اصطلاح فوق و تعمیم آن به همه اصطلاحات کار نامگذاری را آسان می‌سازد.

حکم است بیشتر آنها نیز از روی مشاهده رفتار غریزی جانوران در مقایسه با رفتار انسانی و یا قراردادهای اخلاقی انسان‌ها در جامعه ساخته شده است: حيله‌گری روباه، دزدی گربه، دلیری شیر، کبر پلنگ، درندگی و ناقلایی گرگ و زیرکی و چابکی و رندی و ریاکاری مارمولک، کینه‌شتری و غیره... برخی نیز بستگی به شکل ظاهری جانور دارد: میمون، انتر...

گروه دوم زاینده تخیلات خود انسان درباره جانوران است مانند: خواب دیدن شتر و رؤیای پنبه‌دانه و یا قاطر چموشی که برای زیان رساندن به صاحبش خود را به قعر دره پرت می‌کند.

گروه سوم از روی بازتاب‌های شرطی^۱ جانوران ساخته شده است. شرطی کردن جانوران که از عهد باستان با اهلی کردن جانوران آغاز می‌شود تحت تأثیر و دخالت خود انسان صورت گرفته است. بازی کردن جانوران در سیرک یا رقصاندن برخی از حیوانات مانند شتر نیز به علت شرطی کردن آنهاست.

ضرب‌المثل معروف، چوب را که برمی‌داری گربه دزده خبر می‌شود (یا فرار می‌کند) مثال روشنی از شرطی کردن گربه است. ناگفته نگذاریم گربه رابطه‌ای میان برداشتن چوب و ربودن گوشت نمی‌یابد و غالباً نیز بی‌آنکه گوشت را ربوده باشد به محض بلند کردن چوب می‌گریزد.

رقص شتر که یکی از تفریحات بسیار قدیمی اعراب بدوی است بی‌آنکه خود این اعراب بدانند که از کاشفان بسیار قدیم (لااقل پیش از پاؤلف) بازتاب

۱- اصطلاح بازتاب شرطی نخستین بار پس از تجربه معروف ایوان پاؤلف بر روی سگ (معروف به سگ پاؤلف) متداول گردید. پاؤلف تحقیقات آزمایشگاهی خود را با سگ‌ها انجام می‌داد و متوجه شد محرک‌هایی که با غذا همراه می‌شوند مثل خود غذا موجب تراوش غدد بزاق سگ می‌شوند. این تجربه او منجر به کشف بازتاب شرطی شد (ر.ک ص ۱۸۹، اصول روانشناسی‌مان، صناعی).

شرطی هستند معمول گردیده است؛ به این ترتیب که: چهار سینی داغ زیر چهارپای شتر قرار داده و بوق و دهل را به صدا در می‌آورند پس از چندبار تکرار هرگاه بوق و دهل را بدون سینی‌های داغ به صدا درآورند شتر به رقص درمی‌آید. البته این تصویری است که اعراب بادیه‌نشین دارند و گرنه بیچاره شتر فقط چهارپای خود را یکی پس از دیگری از زمین بلند می‌کند.

شک نیست که گاه نیز سرخوردگی‌ها و نومیدی‌ها از بی‌عدالتی‌های جامعه انسان را از تنفر نسبت به جامعه به نفی وجود خود انسان می‌کشاند. در این حال آدم‌ها به نظر دیوان و ددان بی‌رحم، گرگان و سگان درنده‌خوی، روبه‌هان و شغالان فریبکار، حشرات بی‌مقدار، گوسفندان فرمانبردار، گاووان و خران نادان می‌رسند.

دیوژن فیلسوف بدبین یونانی، روز روشن با فانوس در شهر آتن به جستجوی "انسان" می‌پرداخت.
دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر
کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست

ابوالعلائی مصری فیلسوف نابینای عرب می‌گفت: مردمی نمی‌بینم!؟
شاعر بزرگ و جهان‌دیده چون حکیم ناصر خسرو قبادیانی که قصیده
معروفش زبازد شعرشناسان است:

نکوهش مکن چرخ نیلوفری را برون کن ز سر باد خیره‌سری را...
بسوزند چوب درختان بی‌بر سزاخواهی این است مر بی‌بری را...
تو با قید بی‌اسب پیش سواران نباشی سزاوار جز چاکری را

به جرم بیان عقیده‌اش مورد آزار قرار گرفته و متواری شد. خود او گوید همه جا در زندان تنگ، سخت‌گرفتار و تنها و پریشان مانده بود. در این حال قصیده‌ای می‌سراید که ظاهراً صورت‌های فلکی نیز در آن درج است:

که کرد این گنبد پیروزه پیکر
 چه‌اند این لشکر تا زنده هموار
 جهان دلفریب ناوفادار
 بشویدم دل از شوریده گیتی
 همی دانم که جور است این ولیکن
 سپهری بینم و سیارگانی
 همه کژدم وش و خرچنگ کردار
 ز گاو و کژدم و خرچنگ و ماهی

چنین بی‌روزن و بی‌بام و بی در
 که‌اند این هفت سالاران لشکر
 سپهر زشتکار خوب منظر
 بگردیدم سر از گردنده اخگر
 ندانم ز آسمان یا ز آسمانگر
 به صورت‌های گوناگون مصور
 گوزن شیر چهر و گاو پیکر
 نیاید کار کردن زین نکوتر

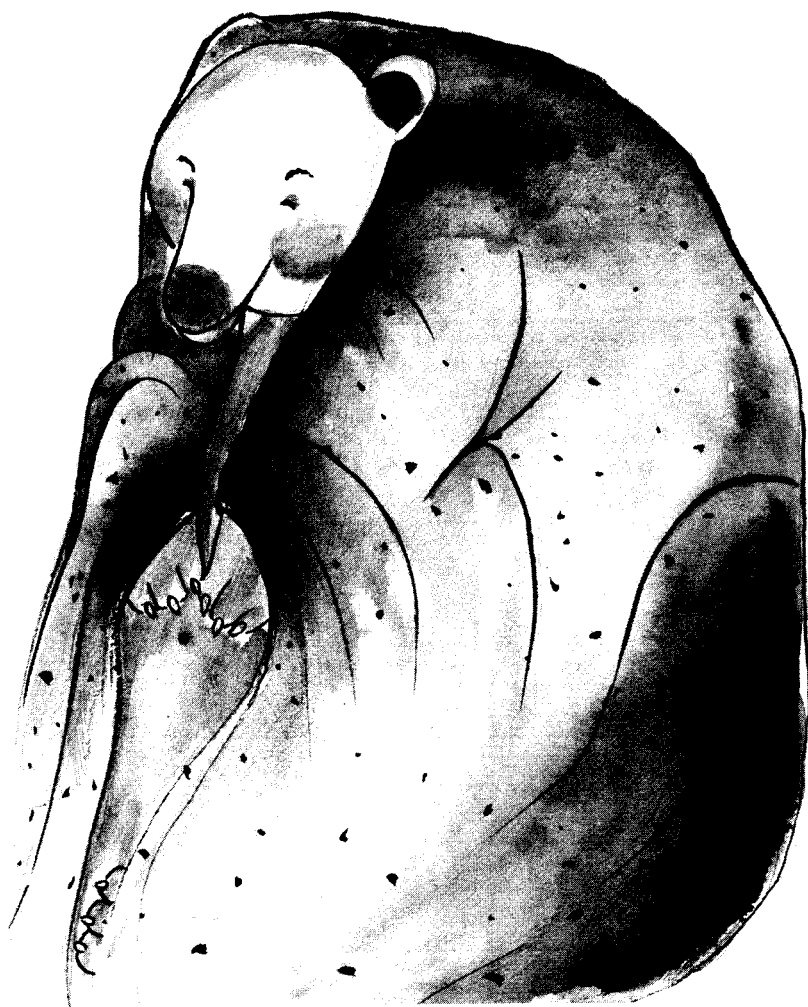
مع‌هذا سعدی اندرزی جاودانی دارد که مناعت طبع انسانی و حقارت خوی
 جانوری را عیان می‌سازد:

سگی پای صحرانشینی گزید
 شب از درد بیچاره خوابش نبرد
 پدر را جفا کرد و تندی نمود
 پس از گریه مرد پراکنده روز
 مرا گرچه هم سلطنت بود و بیش
 محال است اگر تیغ بر سر خورم
 توان کرد با ناکسان بدرگی

به خشمی که زهرش ز دندان چکید
 به خیل اندرش دختری بود خرد
 که آخر تو را نیز دندان نبود؟
 بخندید کای مامک دلفروز
 دریغ آمدم کام و دندان خویش
 که دندان به پای سگ اندر برم
 ولیکن نیاید ز مردم سگی

تهران، مرداد ۱۳۸۳

دکتر کامیاب خلیلی



مثل خاله خرسه: زنی فربه و چاق و خپل



اسامی جانوران

- الاغ: نادان. ابله (دشنام)
- گاه به گونه‌ای مهرآمیز خطاب کنند که برای پند و اندرز طرف مقابل به کار می‌رود عجیب آنکه اثرات مثبت دارد مثال: الاغ جان چرا پولت را اینطوری خرج می‌کنی. همین ترکیب الاغ با جان از شدت دشنامی الاغی می‌کاهد.
- انتر: زشت. به ویژه زنی که در رنگ‌آمیزی (توالت) صورتش افراط کرده باشد.
- انگل: طفیلی. کسی که از قبل دیگران می‌خورد. مزاحم. هم‌نشین و همراهی که به خرج دیگران زندگی می‌کند.
- بره: آدم مطیع و زیون
- بزوجه: بچهٔ فضول و ناآرام و زشت.
- بلبل: کسی که دائماً حرف بزند.
- بوزینه: زشت‌رو. کسی که دلکک بازی در بیاورد.
- بوقلمون: کسی که به خوی ثابت نباشد. متلون
- پلنگ: متکبر. مغرور.
- توله: به تحقیر به بچهٔ کسی گویند.